نقش ائمه علیهم السلام در تفسیر و تبیین قرآن



لطیف دانش

بسم الله الرحمن الرحیم

نقش ائمه علیهم السلام در تفسیر و تبیین قرآن

نویسنده:

لطیف دانش

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش ائمه در تفسیر و تبیین قرآن

مشخصات کتاب

مولف:لطیف دانش

مقدمه

الحمد للّه رب العالمین و العاقبهٔ للمتقین و السلام علی سیدنا و شفیع ذنوبنا. ابی القاسم محمّد صلّی اللّه علیه و آله و علی آله الطیبین المعصومین علیهم السلام. إِنَّما یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا [۱] . بنده چون دیدم اطلاع چندانی در این زمینه ندارم و نقش و اهمیّت اهل بیت را نمی‌توانستم نادیده بگیرم بر آن شدم اندک‌تحقیقی در این زمینه بکنم تا وسعت دید بهتری بر اهلبیت در تفسیر بیابم. و من اللّه التوفیق

تفسیر از نظر لغت

این واژه از فسر به معنای بیان، پرده برداشتن و کشف کردن است و خود، مقلوب واژه سفر می‌باشد. راغب اصفهانی می گوید: فسر و سفر در لفظ و معنا نزدیک هم هستند. زیرا هر دو به معنای کشف پرده برداشتن روشن‌کردن است، اما با تفاوتی اندک، چرا که فسر برای روشن کردن امور معنوی و درک معنای صحیح و معقول الفاظ به کارمی‌رود، ولی سفر برای ظاهر کردن اجسام مادی برای دیدن با چشم به کار می‌آید. [۲] . فیومی در مصباح المنیر می‌نویسد: فسرت الشیء افسراً من باب ضرب، بیّنتهُ و أوضحتُه. [۳] . در تاج العروس آمده است: الفَسْرُ الابانهُ و کشف المغطی و الفسر نظر الطبیب الی الماء کا التفسره او هی ای التفسر البول‌یستدلّ به علی المریض، التفسیر و التأویل و المعنی واحدٌ. [۴] . واژه فسر به معنای شکافتن و پرده برداری است، و نیز مانند تفسیرهٔ به معنای نظر کردن طبیب است که به بول بیمار باآزمایش نظر می‌اندازد و به بیماری او پی می‌برد. تفسیر و تأویل به یک معنا است. در مجموع از تعریف‌های اهل لغت روشن می‌شود که رد معنای تفسیر، بر بیان، اظهار و پرده برداری از معنای الفاظ تکیه شده است. تفسیر مصدر باب تفعیل که آن هم به معنای پرده برداشتن و کشف است به مقتضای ذاتی خود از نوعی مبالغه برخورداراست که تفاوتی با فسر پیدا می کند زیرا ممکن است فسر که به مفهوم روشن کردن است به خودی خود صورت گیرد؛ اماتفسیر، توضیح و کشف لفظ، همراه، تلاش و کوشش است که اگر مفهوم کلامی روشن نباشد، بدون تلاش و کوشش به طورکامل پرده برداری صورت نمی گیرد و خفای آن از بین نمی‌رود. و این تفاوت بین ترجمه و تفسیر نیز وجود دارد، چرا که ترجمه‌تنها روشن کردن معنای لغت و واژه است؛ اما تفسیر توضیح و کشف همراه با تلاش است. [۵] .

تفسیر در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان تفسیر به دو معنا آمده است. الف) تفسیر از اقسام بدیع و محسّنات معنوی است، بدین معنا که تکلّم سختی می‌آورد که فهم آن نیاز به سخن دیگری دارد. ب) تفسیر علمی است که مفاهیم الفاظ و کلام خداوند را روشن می کند. و مراد از تفسیر قرآن، اصطلاح دوم است. علامه طباطبایی در تعریف علم تفسیر می‌فرمایند: هو بیان معانی الآیات القرآنیهٔو الکشف عن مقاصدها و مدالیلها. [۶] تفسیر بیان معانی قرآنی و روشن کردن مقصود و مدلول آنهاست. زرکشی از دانشمندان علوم قرآنی هو علم یفهم به کتاب اللّه تعالی المنزل علی نبیّه و بیان معانیه و استخراج احکامه وحکمه، [۷] یکی از دانشمندان علوم قرآنی می‌نویسد

و اصطلحوا علی ان التفسیر هو: ازالهٔ الابهام عن اللفظ و المشکل، ای‌المشکل فی افادهٔ المعنی المقصود، تفسیر، بر طرف کردن ابهام از لفظی است که فهم معنای مقصود آن مشکل است.

نیازمندی قرآن به تفسیر

البته این صحیح است که قرآن متناسب با نیازهای مردم جامعه و همگام با حوادث و وقایع گوناگون نازل می‌شده و آنان که به‌زبان عربی تسلّط داشتند وظیفه خود را می‌فهمیدند و این آیات برای همه قابل فهم بود. و چه بسا که عده‌ای با شنیدن آیات‌تحوّل درونی در آنان به وجود می‌آمد و متحول می‌شدند با این وجود امور زیر نیازمندی قرآن به تفسیر را روشن می‌کند. الف) آیات قرآن از جانب کسی نازل شده که بر تمامی اسرار طبیعت و جهان آشنا بوده و دانش را پایان‌ناپذیر است. (قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذی یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّماواتِ وَ اْلأَرْضِ). [۸] به این جهت الفاظ قرآن اگر چند گویا و رسا باشد، گنجایش مفاهیم بلندمرتبه و دانش بی‌کران خداوند را ندارد، چرا که الفاظ مربوط به محسوسات و عالم ماده است و برای درك مفاهیم عالیه معنوی‌الفاظ قرآن نیاز به تفسیر بیشتری دارند. ب) خداوند برای بیان احکام به کلیات اشاره کرده است و به بسیاری از جزئیات اشاره نکرده. و این وظیفه را به عهده مفسّرواگذار کرده. به طول مثال در قرآن، نماز خواندن آمده ولی تعداد رکعات آن بیان نشده و این وظیفه را به مفسّر واگذار کرده. ج) بیشتر آیات قرآن در رابطه با حوادث و موضوعات خاص نازل شده و فقط کسانی که در موقع نزول آنجا بوده‌اند عمق آن رامی‌فهمند و از کم و کیف آن آگاهی دارند ولی دیگران که از چگونگی نزول وحلی دانشی ندارند، مطالب برای آنان به طور کلی‌مفهوم نیست. د) قرآن کتابی است در حد اعجاز فصاحت و بلاغت و پر از کنایات و استعارات و این رموز احتیاج به تفسیر دارد. ه) قرآن دارای آیات متشابه، عمومات، مطلقات، مجملات و مفهم مخصص و مقیّد، مبیّن و دانش تأویل متشابهات نزدمفسّر عالم باید یافت.

برتری قرآن و تفسیر نسبت به سایر علوم

میزان ارزش هر علم نسبت به سایر علوم به سه عامل موضوع، غرض و نیاز بشر به آن سنجیده می‌شود و قرآن کریم و تفسیرآن از هر لحاظ نسبت به سایر علوم برتری دارند. ۱ – از لحاظ موضوع: موضوع تفسیر، کلام خداست که خود برترین موضوع است. رسول خدا(ص) فرمود: فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل اللّه‌علی خلقه. [۹] . ۲ – از جهت غرض: گرچه هدف اولیه این علم، روشن کردن کلام الهی است ولی غایت در این علم، همانطور که در خود قرآن نیز چنین می‌باشد.عبارت است از هدایت انسان‌ها و معرف خداوند تبارك و تعالی. ۳ – نیازمندی بیشتر بشر به آن: سایر قوانین بشری دارای نقص هستند وقتی نمی‌توانند منافع دنیایی انسان را فراهم کنند. در سفری همراه رسول خدا بودم. گفتم یا رسول اللّه، ما را حدیثی بگو که در او نفعی باشد. ان اردتم عیش السعداء معاذ بن جبل می‌گوید: و موت الشهداء و النجاهٔ یوم الحشر و الظل یوم الحرور و الهدی یوم الظلالهٔ فادر سوالقرآن. فأنّه کلام الرحمن وحرز من الشیطان و رحجان فی المیزان. [۱۰] .

مفهوم اهل بیت

اهل بیت معنی گسترده‌ای دارد که فقط مختص به پیامبر(ص)، فاطمه، علی، حسن و حسین نیست. بلکه مطابق روایات‌رسیده از پیامبر(ص) آنان شامل چهارده معصوم می‌شوند که عبارتند از پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س)، علی ابن ابیطالب‌حسن بن علی، حسن بن علی (و نه اولاد از نسل امام حسین)(ع) شامل، علی بن حسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن‌محمد الصادق، موسی ابن جعفر الکاظم، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی الجواد، علی بن محمد الهادی، حسن بن علی‌العسکری و حجهٔ بن الحسن المهدی.

.[۱۱]

تعداد اهل بیت

در روایتی از ابوهریره وارد شده که رسول خدا فرمود: انّ الصدقة لاتحلّ لی و لا لأهل بیتی فقلنا: یا رسول اللّه! من اهل بیتک،قال: اهل بیتی و عترتی من لحمی و دمی، هم الائمة بعدی عدد نقباء بنی اسرائیل [۱۲] . روایت جابر بن سمره جابر بن سمره می گوید پیامبر اکرم(ص) فرمود: ان هذا الأمر لاینقضی حتی یمضی فیهم اثنا عشم خلیفةً، قال: ثمّ تکلّم‌بکلام خفی علیّ فقلت لابی: ما قال؟ قال: کلّهم من قریش. [۱۳] . روایت ابن عباس: ابن عباس فی قوله تعالی و السماء ذات البروج قال رسول اللّه(ص): انا السماء و امّا البروج فالائمة من اهل بیتی و عترتی، اوّلهم‌علی و اخرهم المهدی و هم اثنا عشر. [۱۴] .

آراء و نظرات درباره اهل بیت

نظریه اوّل: برخی از مفسران اهل سنّت اهل بیت را به عنوان همسران پیامبر تفسیر کرده‌اند. طبق این نظریه علی و فاطمه و حسن وحسین: جزء اهل بیت نیستند به تعبیر اهل بیت از اقوام سببی پیامبر هستند و هیچ یک از منسوبین نسبی آن حضرت‌شامل اهل بیت نمی‌شوند. دلیل این نظریه این است که آیه تطهیر در بین آیاتی است که همگی مربوط به زنان پیامبر(ص) است، چرا که آیات قبل و بعد آیه‌تطهیر مربوط به زنان پیامبرند پس سیاق آیه اقتضاء می کند که این آیه شریفه نیز مربوط به همسران پیامبر(ص) می‌باشد. نقد نظریه: همانطور که گذشت در آیات پنجگانه قبل از آیه تطهیر و نیز در صدر آیه ۳۲، احزاب که آیه تطهیر در ذیل آن آمده است‌مجموعاً ۲۵ ضمیر و فعل به صورت مؤنث آمده است، و در آیه بعد ۳۳ نیز فعل و ضمیر مؤنث به کار رفته است، امّا ضمائر وافعال آیه تطهیر همه مذکرند که یا شامل مردان می‌شوند و یا شامل مردان و زنان می‌شوند و قطعاً شامل عده‌ای از زنان به‌تنهایی نمی‌شوند. طبق این بیان منظور از اهل بیت قطعاً نمی‌توانند، همسران پیامبر(ص) باشد، بلکه منظور افراد دیگرند که باید با دلیل آن‌افراد در جهت. نظریه دوّم: طبق این نظریه منظور از اهل بیت: شخص پیامبر(ص) فاطمه، علی، حسن و حسین و همسران پیامبر(ص) باشند. نقد نظریه: با توجه به شرح و تفسیر آیه تطهیر اهل بیت باید دارای ویژگی عصمت مطلقه باشند. و حال آنکه هیچ یک از مفسران شیعه‌یا سنی، برای همسران پیامبر(ص) قائل به عصمت نشده‌اند. و حتی نسبت به بعضی از آنها نه تنها نمی توان ادعای عصمت‌کرد بلکه می‌توان ارتکاب گناهان بزرگی را با ادله و شواهد روشن، به اثبات رساند. نظریه سوم: برخی دیگر از مفسّرین اهل بیت را به ساکنین مکه تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: منظور از البیت خانه خدا، کعبه معظّمه است. بنابراین اهل البیت براهالی و ساکنین مکه اطلاق می‌شود. نقد نظریه: مردم مکه هیچ گونه برتری نسبت به مردم مدینه نداشته‌اند، تا خداوند رجس و پلیدی را فقط از ساکنین این شهر دور کرده‌باشد. نظریه چهارم: این قول نظریه تمام علمای شیعه است که هیچ اشکالی بر آن وارد نمی‌باشد و آن اینکه: منظور از اهل بیت افراد خاصی ازخاندان پیامبر یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن از اولاد امام حسین. که در این باره روایات زیادی وجود دارد دال‌بر صحت این نظریه، چه در کتب عامه و چه در کتب خاصّه که علامه طباطبایی این روایات را بیش از هفتاد می‌داد و می‌فرمایدآنها از طریق اهل سنت است.

ارزش معرفت اهل بیت

اشاره

بدون شک شناخت اهل بیت و معرفت پیدا کردن نسبت به این خاندان اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی دارد که عده‌ای‌روی

شاملین به اهل بیت اختلاف کرده‌انـد و روی این قضـیه بحث‌ها انجام داده و هر گروه خود را بر حق می‌داننـد. حال توجه‌می کنیم به بعضی از روایات که بیانگر اهمیت اهل بیت است، تا این نکته روشن شود:

روایات

قال رسول اللَّه(ص): معرفهٔ آل محمّد برائهٔ من النار و حسب آل محمّد جوازٌ علی الصراط و الولایهٔ لآل محمّد امان من‌العذاب. [۱۵] . قال رسول اللَّه(ص)، من اللَّه علیه بمعرفـهٔ اهل بیتی و ولایتهم نقد جمع اللَّه له الخیر کلّه. [۱۶] . خبشر الکنانی: سمعت اباذر یقول - و هو اخذ بباب الکعبهٔ - من عرفنی فانا من سـمعت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول:الا انّ مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینهٔ نوح من قومه من رکبها نجا، و من تخلف عنها غرق.

قرآن

خداوند در سوره مائده، ۳: (الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ ٱلإِسْلامَ دینًا) رسول از طرف خداوند در این آیه به وضوح عترت را مکمّل قرآن ذکر می کنند. و برگزیده شدن حضرت علی(ع) به عنوان تمام و کمال بودن‌نعمت.

دلایل حجیت قول اهل البیت

آیات

مطهران مفسران واقعی

دو آیه از قرآن کریم روشـنگر این مطلب است که اهلبیت و امامـان مطهران حقیقی‌ان و مطهران مفسـران واقعی قرآن هسـتند. الف) آیه تطهیر: (إِنَّما یُریـدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرًا). [۱۷] . ب) آیه مس: (لا ـ یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ). [۱۸] . ۱ - آیه نخست می‌فرماید: که مطهران و پاکیزگان حقیقی (مطهر از هر نوع رجس و بدی که ال اسـتغراق آن را می‌رساند) اهل بیت هستند. ۲ - آیه دوم می‌فرمایـد: به قرآن نمی‌رسـند مگر مطهران و پاکیزگـان. از مجمـوع این دو آیه چنین نـتیجه گرفته می‌شـود. به قرآن نمی‌رسند مگر اهل بیت:.

وارثان کتاب و برگزیدگان خدا

خداونـد متعال می‌فرماینـد: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذینَ اصْـطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَیْراتِ بِإِذْنِ اللّهِ ذلِـکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبیرُ). [۱۹] . سـپس این کتاب آسـمانی را به گروهی از بنـدگان برگزیـده خود به میراث داریم (امّا) از میان آنها عده‌ای برخود سـتم کردند وعده‌ای میانه رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها پیشی گرفتند. و این، همان فضیلت بزرگ اسـت. نمی‌تـوان گفـت که منظور از اورثنـا الـذین اصـطفینا. تمـام امت اسـلامی است، چرا که مصـطفین و برگزیـدگان در فرهنگ قرآن‌افراد خاصـی هسـتند مانند پیامبر، امامان معصوم، یا فرمانده لائق، آگاه و با اخلاص. و طبق آیه‌ای که جایگاه الّذین اصطفیناه را در قیامت روشن می کنـد و می‌فرمایـد: (جَنّاتُ عَـدْنٍ یَدْخُلُونَها). [۲۰] . که جایگـاه الـذین اصـطفیناه را بهشت معرفی کرده، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از برگزیدگان تمام امت نیست، چرا که ظالم، مقتصد و سابق با الخیرات طبق گواهی قرآن جایگاهشان (طبق گواهی قرآن) پست‌ترین جایگـاه از جهنم‌است. [۲۱] . علامه طباطبایی(ره) می‌فرمایـد: و اختلفوا فی هؤلاء المصـطفین من عباده، من هم؟ فقیـل: هم الانبیـاء و قیـل: هم بنو اسـرائیل‌الداخلون فی قوله: انّ اللَّه اصـطفی آدم و نوحـاً و و قـد نصّ النّبی(ص) علی علمهم با

القرآن و اصابهٔ نظرهم فیه و ملازمتهم‌ایاه بقوله فی الحدیث المتواتر المتفق علیه: إنّی تارک فیکم الثقلین. [۲۲] .

روایات

اشاره

روایات فراوانی وارد شده که اهل بیت: را محور هدایت مردم دانسته و سعادت دنیا و آخرت را در گروه راهنمایی دینی ودنیایی مردم، توسط ائمه اطهار قرار داده‌اند.

حدیث ثقلین

پیامبر اکرم(ص): انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی. ما ان تمسّکتم بهما لن تضلّوا ابداً. من دو چیز گرانبهارا در میان شما باقی گذاشتم. کتاب خدا و اهل بیت خودم را، تا مادامی که به آن دو تمسک جویید هرگز گمراه نمی‌شوید. تااینکه نزد حوض کوثر بر من وارد شوید.

حدیث سفینه

ابوذر می‌گوید: از پیامبر اکرم(ص) شنیدم که فرمود: مثل اهل بیتی کمثل سفینهٔ نوح، من نوح، من رکبها نجی و من تخلف‌عنها غرق. [۲۳] .

حدیث امان

قال رسول اللّه(ص): اهل بیتی امانٌ من الاختلاف. [۲۴] .

قرآن و حدیث

خداوند در سوره نحل آورده (وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ إِلّا رِجالاً نُوحی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ) – (بِالْبَیِّناتِ وَالزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ). علامه طباطبایی(ره) در ذیل این آیه طبق آنکه جمله فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ مقصود از ذکر پیامبر یا قرآن باشد. اهل ذکر را به اهل بیت تطبیق می‌دهند و از همین حمد بین بودن اهل بیت را استفاده می‌کنند. به فرض هم که گفته شود، خطاب خاص است، و مورد خاص مندرج در صدد آیه مدّ نظر می‌باشد، از آیه دوم به ضمیمه حدیث ثقلین بین بودن اهلبیت نسبت به قرآن استنتاج می‌شود. [۲۵] . و فی الآیه دلالهٔ علی حجیهٔ قول النبی(ص). فی بیان الآیات القرآنیه، و امّا ما ذکره بعضهم انّ ذلک فی غیر النص و الظاهر من‌المتشابهات او فیما یرجع الی اسرار کلام و ما فیه من التأویل فی، لاینبغی ان یصفی الیه هذا فی نفس بیانه، و یلحق به بیان‌اهل بیته لحدیث الثقلین المتواتر و غیره. در برخی از کتب اهل سنت نیز اهل ذکر را به ائمه تفصیل کرده‌اند. [۲۶] .

علم معصومین

انبیاء و اولیای الهی براساس مقام والای تقوی و یقین و به سبب الهامات و افاضات پروردگار، قادر به شهود و رؤیت عوالم عالیه‌غیر مادی و درک حقایق و بواطن امور هستند، که از دید حس انسان خارج هستند. اینگونه است که پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم:

به سبب داشتن مقامات الهی (عصمت و علم غیب) آگاه به حقایق آیات‌تکوین و آیات تشریع قرآن کریم هستند. یعنی هم دبواطن(و ملکوت آسمان زمین و هم دبواطن) قرآن مجید را درک‌می‌کنند و آگاهی کامل و تمام به مراد اللَّه در قرآن دارند (علم تأویل). به همین دلیل بود که خداوند اشرف مخلوقات پیامبرش را به معراج می‌برد، برای مشاهده آیات الهی (سُبْحانَ الَّذی أَسْرِی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ). [۲۷] پس از آنکه‌مشاهدات و معاینات، توسط پیامبر انجام شد خداوند فرمود: (لَقَدْ رَأی مِنْ آیاتِ رَبِّهِ الْکُبْری). [۲۸] . و با توجه به آن مقام تفسیری امام علی و به تبع آن مقام تفسیری سایر ائمه مشخص می‌شود. که پیامبر در مورد علی(ع)فرمودند: انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الالست بنبیً.

ضرورت وجود امام مفسر

عقلی

هدف از خاتمیّت وقتی به بار خواهد نشست که آخرین قانون وحیانی به بلندای زمان پایدار مانده و پاسخگوی نیازهای بشرباشد، در همین راستا تحریف ناپذیری قرآن در طول تاریخ به اثبات رسیده ولی این بدان معنا نیست که قرآن برای پرورش،در به دست آوردن کمالات نیاز به مکمل ندارد. زیرا همه احکام را نمی‌شود از ظاهر قرآن به دست آورد. همانطور که بعد ازپیامبر مشاهده شد که که چگونه وضو گرفتن که پیامبر آن را در منظر همه انجام داده بود مورد تحریف واقع شد. پس همان‌دلیلی که بعثت انبیاء را ممکن و الزامی می‌سازد اصل وجود امام را تحقق می‌بخشد. امامی که با ملکه عصمت و علم‌خدادادی، در تبیین و تفسیر و حفظ قرآن از آسیب پذیری قرآن جلوگیری کند.

تاریخی

در طول تاریخ و در ادیان الهی قبلی مشاهده شد که به علّت تفاسیر نادرست ادیان الهی قبلی مورد تحریف واقع شد. و آیامی‌شود که پیغمبر خاتم با وجود دانستن این موضوع چاره‌ای در این باره نیندیشیده باشد. حتی با وجود چنین چاره‌اندیشی بازهم مشاهده می‌شود که بعضی تفاسیر غلط انجام شده و عده‌ای بر اتکای تفسیر به رأی سبب گمراهی شدند.

تاریخ تفسیر ائمه

اشاره

مطمئناً اولین فردی که اقدام به تفسیر قرآن کرده، شخص رسول اکرم بوده، همانطور که قرآن می‌فرماید: (وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ)، [۲۹] و مبیّن مطلب است. و بعد از پیامبر جانشین ایشان از امام علی(ع) به گواهی و روایات و تاریخ عهده دار این مسئولیت بوده‌اند. روایت صحیح‌السندی گزارش می‌کند که پیامبر قرآن و مجملات آن را جز برای یک نفر تفسیر نفرمودند و سپس منزلت آن فرد را نیز یاد آورشدند و آن کس همانان امام علی(ع) بودند که ایشان نیز کرسی تفسیر را به جانشینان پس از خویش منتقل ساخته و بدین‌سان طبقات مفسران در میان معصومین پدیدار گشت. [۳۰] . در برخی روایات آمده لنافسّر قبل ان یفسر فی الناس. [۳۱] . در بین ائمه امام علی(ع) نقش ویژه‌ای در تفسیر و تبیین قرآن داشته‌اند و این مطلب از گواهی موافق و مخالف فهمیده‌می‌شود. از جمله آنان ابن عباس، مفسّر بزرگ قرآن می‌باشد که تصریح می‌کند: من هر چه آموخته‌ام از علی ابن ابیطالب‌است. که آراء تفسیری امام علی(ع) در تفسیر و بیانات ابن عباس کاملاً منعکس است. و بعد از حضرت بقیه معصومین به

ترتیب آمده و خدماتی مشابه حضرت ارائه داده‌اند و تفسیر روایی زیادی را عرضه کرده‌اند.

امیرالمؤمنین و تفسیر قرآن

در مورد علم علی(ع) و آگاهی ایشان به تفسیر قرآن همه اتفاق نظر دارند. امام بدر الدین زرکشی می گوید: سرآمد مفسران از صحابه علی ابن ابیطالب است و سپس ابن عباس که حیات خود را وقف تفسیر کرده بود. لذا، تفسیر به جای مانده از وی افزون از علی است گرچه ابن عباس علم تفسیر را از علی(ع) آموخته. وی در این باره می‌فرمایند: ما اخذت من تفسیر القرآن فعن علی بن ابی طالب آنچه از تفسیر قرآن دریافت نموده‌ام ازعلی(ع) است. [۳۲] . ابوطفیل می گوید علی(ع) فرمود: بپرسید از من! بپرسید از من! بپرسید از من در باره کتاب خدای تعالی به خدا سوگند، هیچ‌آیه‌ای در قرآن نیست مگر اینکه من می‌دانم در شب نازل شده، یا روز در دشت فرود آمده یا در کوه). [۳۳] . در مورد اعلمیت علی(ع) از عطاء بن ابی ریاح می‌پرسند: أکان فی اصحاب محمد(ص) علم من علی(ع)؟ در پاسخ می گوید: لاو اللّه لا اعلمه. [۳۴] . عبد اللّه ابن مسعود می گوید قرآن بر هفت حرف نازل شده که هر حرف آن دارای ظاهر و باطنی است و علی ابن ابیطالب ظاهرو باطن تمام آنها را می‌داند. [۳۵] . روزی ابن مسعود میان پیروان خود گفت اگر کسی را نسبت به کتاب خدا از خود داناتر می‌یافتم بار سفر به سوی او می‌بستم.در این هنگام یکی از میانه گفت، آیا با علی برخورد کردی؟ گفت آری: محضر او را درک کردم و از او درس‌های فراوان آموختم او بهترین و داناترین فرد پس از پیامبر بود. او را دریای یافتم که چون سیل خروشان بود. [۳۶] .

ائمه و تربیت مفسران

از موارد شاخص کارهای تفسیری ائمه تربیت اساتید این فن و به خدمت گرفتن آنان برای تفسیر قرآن، برای مردم می‌باشد،که به برخی از این مفسران اشاره می‌شود: عبد اللّه بن عباس: پسر عمّ پیامبر که اکثر محققان اسلامی ابن عباس را شاگرد امیر المؤمنین و از خواص تلامیز او معرفی می کند. [۳۷] . و این مطلب را خود او نیز بارها تصریح کرده. وی در طول تاریخ به القاب مختلفی شهرت یافته مانند: ترجمان القرآن، فارس القرآن، جهر الامۀ، بحر الامۀ و پیامبر بارهاایشان را مورد تشویق و دعای خیر خویش قرار داده‌اند از جمله دعا کردند اللهم علّمه الحکمه. [۳۸] . امام علی(ع) تفسیر ابن عباس را ستود و مردم را به فراگرفتن تفسیر از ابن عباس تشویق کرده‌اند. از جمله فرمودند: ابن‌عباس کانّما ینظر الی الغیب من سترٍ رقیق. [۳۹] . عبد اللّه ابن مسعود: وی یکی از بزرگترین اشخاص از صحابه به شمار می‌آیند و به علو مقام شامخ اهلبیت: و امیر المؤمنان اذعان دارند و در زمان‌حیات پیامبر(ص) نزد آن حضرت برای کسب فیض زانوی شاگردی بر زمین گذاشته. شیخ صدوق در کتاب امالی از ابن مسعود نقل می کند که گفت: تفسیر ۷۰ سوره از قرآن را که از دهان پیامبر شنیده بودم، نزدخود حضرت قرائت کردم و بقیه را نزد بهترین این است و داناترین ایشان بعد از پیامبر اکرم(ص) یعنی علی ابن ابیطالب فراگرفتم. [۴۰] . ابوحمزه ثمالی: ثابت بن دینار ابوحمزه ثمالی از دی کوفی از بزرگان اهل حدیث و مقربان درگاه اهلبیت: بودند. فضل ابن شاذان روایت می کندکه امام علی بن موسی الرضا در مورد او فرمود: ابو حمزه ثمالی لقمان و یا (سلمان) زمان خود بود. وی محضر پر برکت سه امام‌معصوم، علی ابن الحسین(ع) محمد بن علی(ع) و جعفر بن محمد(ع) را تماماً و برهه‌ای از دوران امام موسی بن جعفر(ع) را درک کرده و مورد عنایت آنان بود. جابر جحفی: ابو عبد اللّه کوفی و عرب اصیل است ولی کتاب دارد تحت عنوان تفسیر القرآن شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر و امام‌صادق: شمرده، همچنین سید حسین صدر گفته است: جابر ابن یزید جعفر از پیشوایان حدیث و تفسیر است و آنها را ازامام باقر(ع) آموخته. [۴۱] . سعید بن مسیب: ابن مدینی می گوید: در میان تابعان کسی به گستره علمی سعید نمی‌شناسم نخستین برجستگی او این است که دست پرورده امیر المؤمنین علی(ع) است، امام علی(ع) او را بنا به وصیت جدش (حزن) در دامان خویش

پروراند.

ائمه و نهی از تفسیر به رأی

همزمان با تفسیر گویی صحابه پیامبر، جعل احادیث، تحریف معنوی آیات و انحراف انکار از حقایق قرآن کریم توسط افرادی‌موجود دنیا طلب آغاز شد که در مدح حکومت و منصب داران و به ذم اهلبیت و به تأویل باطل و تفسیر به رأی در آیات قرآن‌پرداختند. روایات در ذم تفسیر به رأی به طور متواتر از شیعه و سنی نقل شده که برخی از آنان عبارتند از: ۱ – عن ابی عبد اللَّه(ع) قال: من فسر القرآن برأیه فاصاب، لم یؤجر و ان اخطأ کان اثمه علیه. [۴۲] . ۲ – امام صادق می‌فرمایند: من فسر القرآن برأیه آیةً من کتاب اللَّه فقد کفر. [۴۳] . ۳ – عن النبی من قال فی القرآن تعبیر علم فلیتبوء مقعده من النا. [۴۴] . ۴ – مرحوم کلینی از امام باقر(ع) روایت می کند که آن حضرت به قتاده، مفسر معروف فرمود: و یحک یا قتاده! [۴۵] ان کنت‌انما فسرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلکت و اهلکت و ان کنت قد فسرت من الرجال فقد هلکت و اهلکت. وای بر تو ای قتاده اگر از جانب خود قرآن را تفسیر کنی (بدون اینکه از پیشوایان بگیری) هم خودت هلاک شده‌ای و هم‌دیگران را هلاک کرده‌ای همچنین است اگر تفسیر قرآن را از اندیشه‌های دیگران بگیری. ۵ – عن امیر المؤمنین علی(ع) قال: قال رسول اللَّه(ص): قال اللَّه عزوجل جلاله ما آمن بی مَن فسر برأیه کلامی، [۴۶] خداوندمی‌فرماید: کسی که قرآن مرا به رأی خود تفسیر کند ایمان به من نیاورده.

بررسی روایات تفسیر به رأی

در روایات تفسیر به رأی نکات بسیار زیادی است که نشان از اهمیّت این موضوع در نزد ائمه است. ۱ – روایات با صراحت تفسیر به رأی را مورد نکوهش قرار داده و مجازات برای آن تعیین نموده‌اند. ۲ – منظور از رأی خود شخص است نه اینکه رأی و نظری که برگرفته از ادله و منابع صحیح است. ۳ – در تفسیر به رأی، تفاوتی ندارد و مفسّر یک آیه را تفسیر کند، بخشی از قرآن چرا که: امام صادق(ع) فرمود: آیهً من کتاب‌اللَّه. ۴ – برخی از روایات تفسیر به رأی را هر چند درست هم باشد مورد نکوهش قرار می‌دهد. مانند روایت نبوی مهن فسرالقرآن برأیه فاصاب الحق فقد اخطأ. ۵ – از مواردی که حکم صادر کردن از قرآن موجب هلاکت انسان است، اینست که بدون آشنایی با ناسخ و منسوخ در باره‌قرآن نظر دهد. چنان که از سخن امام علی(ع) استفاده می‌شود که به آن قاضی فرمود: چون ناسخ و منسوخ را نمی‌شناسی‌خود و دیگران را هلاک کرده‌ای.

تمایز مکتب تفسیری اهل بیت

اصالت بخشیدن به قرآن

ائمه معصومین تعالیم و آموزه‌های خود را بر پایه و شاخص قرآن سنجیده‌اند و صدها گفتگو و جدال با موافقان و مخالفان بهترین گواه این مطلب است. اگر ائمه مرجع بودن خود را برای مردم گوشزد می کرده‌اند بدان دلیل است که خود مرجعشان راقرآن قرار داده بودند. اینگونه اصالت بخشیدن به قرآن و مرجع قرار دادن در تمام شئون زندگی (افکار و رفتار) می‌توان دید. همانطور که درعبارت، خدا را می‌پرستیدند، تعالیم خود را نیز خدایی کرده و رنگ و بوی قرآنی داده‌اند. ای مردم هر آنچه از جانب من به شما رسید و مطابق قرآن بود آن سخن را من گفته‌ام، در روایتی مردم کلینی به سند صحیح‌از هشام بن حکم: هر آنچه از من به شما رسید که مخالف کتاب خدا بود، من آن را نگفته‌ام. روزی امام رضا(ع) در باره دو حدیث مختلف در یک مسأله که اصحاب پیرامون آن اختلاف کرده بودن: هرگاه دو خبر مختلف‌به شما رسید آن دو را بر کتاب خدا عرضه کنید. آنگاه طبق آنچه به صورت

حلال و مرام از کتاب خدا موجود است، آن حدیثی‌را که مطابق کتاب است پیروی کنید.

حجم آگاهی ایشان در مورد مفاهیم قرآنی

از شواهد که به این مطلب گواهی می‌دهد: ۱ – مفاهیمی از قبیل اهل الذکر الراسخون فی العلم، الذین اوتو العلم، عنده علم الکتاب و را به عنوان کامل‌ترین‌مصداق برخود منطبق ساخته یا آنها را در خود منحصر ساخته‌اند. ۲ – قرآن که با دو جنبه تأویل و تنزیل بر پیامبر نازل گشته هر دو علم آن بعد از رسول اللّٰه به اوصیای او انتقال یافته. ۳ – آنان آگاهان از ظاهر، باطن، تأویل، محکم و متشابه و جزئیات دیگری از قبیل شأن نزول‌ها، عنصری بودن و یا سفری بودن‌آیات می‌باشند. شهرستانی: متکلم اهل سنت: ما القرآن هدیً للناس عامه و هدیً و رحمه لقوم یؤمنون خاصه و هدی و ذکر للنبی و لقومه‌احض من الاول و الثانی و انه لذکر لک و لقومک، و لقد کانت الصحابه متفقین علی ان علم القرآن مخصوص باهل بیت. اذا کانوایسألون علی بن ابیطالب حل خصصتهم اهل البیت دوننا بشیء سوی القرآن و کان یقول: لا و الذی فلق الجته و برأ و السنهٔالایمانی تراب سیفی – هذا فا استثناء القرآن با التخصیص دلیل دعای اجماعهم بأن القرآن و علمه و تنزیله و تأویله مخصوص‌بهم. ۴ – دانش اهلبیت نسبت به قرآن در تمام زمان‌ها قابل انطباق و کاربردی است. ۵ – در علم اهلبیت هرگز اختلاف نمی‌باشد، چون آنان از راسخان در علم‌اند.

اصول و مبانی تفسیری اهل بیت

اشاره

اهل بیت: دارای مبانی روشن و مستدل در تفسیر قرآن می‌باشند که همگی بر آمده از نصوص و ظواهر قرآن است. که عمده‌این مبانی عبارتند: [۴۷] .

قرآن کتابی است که به زبان مردم نازل شده

در قرآن با صراحت آمده: (فَإِنَّما يَسَّرْناهُ بِلِسانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)، [۴۸] قرآن را به زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکرشوند، (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمينُ) – (عَلى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرينَ) – (بِلِسانٍ عَرَبِيٍّ مُبينٍ). [۴۹] . با این مبنا به دو نکته می‌رسیم: ۱ – قابل فهم بودن قرآن، ۲ – حجیت ظواهر قرآن.

قرآن کلام خدا است

التزام به این مبنا تفاوت مدلول‌های قرآن را با کلام بشری انکار می‌سازد چرا که آیات قرآن هیچگاه یکدیگر را تکذیب‌نمی‌کنند. قال امیر المؤمنین علی(ع): ان الکتاب یصدق بعضه بعضاً، واضح لااختلاف فیه، قال سبحانه ولو کان من عند غیر اللّٰه لوجدوافیه اختلافاً کثیراً. [۵۰] .

التزام به وحی بیانی

در بسیاری از موارد آیات قرآن به صورت کلّی آمده و تفصیل آن در قرآن نیامده است. امام باقر(ع) می‌فرمایند: خداوند فرمان خواندن نماز را بر پیامبر نازل کرد ولی در مورد سه رکعت یا چهار رکعت بودن آن سخنی‌به میان نیاورد و پیامبر آن را تفسیر کرد. [۵۱] .

یاری جستن از قواعد عقلی

خداونـد مردم را به دو رسول هدایت کرده رسول ظاهری (پیامبران) و رسول باطنی (عقل). و چه بسا که برخی از آیات تنها به‌استـناد قواعد عقلی و اسـتلزامات عقلی قابل تفسیر باشند و عدم توجه به قواعد و استلزامات قطعی عقلی انحراف از تفسیررا موجب می‌شود. [۵۲] .

روش‌های تفسیری اهل بیت

تفسیر قرآن به قرآن

درریـابی پیشینه تفسیر قرآن به قرآن از رهگـذر تاریخ‌شناسـی تفاسـیر کهن و نمونه‌شناسـی تفاسـیر معصومـان؛ این حقیقت راانکـار می‌سازد که این روش تفسیری ریشه در آغازین روزهای نزول وحی و پیدایش تفسیر دارد. اساساً سنگ بنیادین آن به دست مبارک شخص رسول اکرم و سـپس امامان معصوم اسـتوار گردیـده است. و این روش از سوی‌پیامبر(ص) و اهل بیت گرایش مورد تأکید و تکریـم قرار گرفته است. [۵۳] . علامه طباطبایی(ره) می‌نویسـد: و کانت طریقتهم فی التعلیم و التفسیر هـذه الطریقه (تفسیر قرآن به قرآن) بعینها علی‌وصل الینا اخسارهم فی التفسیر. [۵۴] . نمونه از تفسیرهای قرآن به قرآن: از امیر المؤمنین روایت شده که در تفسیر واژه الظـالمین در آیه لاینـال عهـد الظالمین. [۵۵] فرمودنـد که ای المشـرکین ودلیـل تفسیر ظـالمین را به مشـرکین را به کمک آیه دیگری از قرآن چنین فرمودنـد: لانـه سـمّی الشـرک ظلماً یقوله و انالشـرک لظلمٌ عظیم. [۵۶] . البته در این نـوع تفسیر ائمه گـاهی آیه‌ای را بـا آیه دیگر، یا اینکه صـدر و ذیل باهم تفسیر می‌کنـد و با تفسیر آیه به تفسیر ویژه‌آیه دیگر که در احادیث این انواع به چشم می‌خورند.

تفسیر با استناد به قواعد عربی

در روایـات اهـل البیت مشاهـده می‌شود که ائمه گـاهی بـا اسـتناد به معنای دقیق واژه‌ها و نیز ارتباط بین اجزاء کلام نکته‌ای بـدیع‌به عنوان تفسیر آیـات بیـان کرده‌انـد. زراره می‌گویـد: به امـام بـاقر(ع) عرض کردم: ممکن است بفرماییـد از کجـا دانسـتید که تنها بر قسـمتی از سـر و قسـمتی از پاسـخ‌لازم است؟ آن حضـرت پس از تبسـمی فرمود: ای زراره! این حکم را پیامبر(ص) اینگونه فرمود و خداونـد نیز در قرآن چنین‌نـازل کرده، زیرا خـدای متعـال می‌فرمایـد: فاغسـلوا وجوهکم. [۵۷] . پس مـا دانستیم سزاوار است تمـام صورت شسـته شود. و سپس فرمود: و ایـدیکم الی المرافق. آنگـاه حکم را چنین بیان کرد و امسـحوا برؤ و سـکم پس ما از مـدلول حرف ب از برؤوسـکم فهمیـدیم که مسح تنها بربخشـی از سر واجب است. آنگاه همانطور که ایدیکم را به وجوهکم وصل کرد و ارجلکم را به رؤوسکم عطف نمود وفرمود و ارجلکم الی الکعبین پس ما فهمیدیم که باید بخشی از دو پا را مسح کرد. [۵۸] .

روش تفسیر روایی

از روش‌های تفسیری اهلبیت: تفسیر قرآن به سنت و روایات است، اگر چه سخنان همه آنان حجت، و مصداق سنت است، اما آنان در تفسیر خود به سـنت پیـامبر(ص) و امامان قبلی (آباء و اجـداد) خود اسـتدلال می‌کردنـد که می‌توان به موارد زیراشاره کرد: ۱ - استدلال به فعل پیامبر ۲ - استناد به قبول پیامبر ۳ - استناد به قول علی ۴ - استناد به قول امام صادق و امامان دیگر، برای مثال: اینکه در مجلسـی که علی بن موسـی الرضا حضور داشت در مود ثم‌لتسـئلنّ یومئـذٍ عن النعیم سؤال شد عده‌ای گفتند که منظور آب سـرد است امام رضا می‌گوینـد: همین مسأله نزد جـدم امام‌صادق (ع) مطرح شـد امّا آن حضـرت خشـمگین شـد. و می‌فرمود: نعیم محبت

نسبت به ما اهل بیت پیامبر است. [۵۹] . امام رضا(ع) برای روشن شدن معنای نعیم استناد به قول امام صادق نمود و امام صادق نیز به گفتار امامان پیشین تا به قول‌امام حسین(ع) رسید که از قول رسول خدا، نعیم را به ولایت همیشگی ائمه تفسیر نمود.

تفسیر عقلی

امامان معصوم: گاهی در تفسیر آیات قرآن به ویژه آیاتی که مربوط به عقاید و اثبات توحید و یگانگی خداوند است. از براهین‌و قواعد عقلی استفاده کرده. معنای آیه را روشن و شک و ابهام را از آیه می‌زدودند. این روش ممکن است دارای اقسامی‌باشد که به دو قسم مهم آن در اینجا اشاره می‌شود. ۱ – تصریح به قوانین: در تفسیر کلا- إنّهم عن ربهم یومئذٍ لمحجوبون، امام رضا(ع) می‌فرماید: ان اللّه لا-یوصف بمکانٍ یحل فیه فیجب عنه فیه عباده و لکنّه عزّوجلّ یعنی انّهم عن ثواب ربهم محجوبون. [۶۰] . اینکه خداوند می‌فرماید: کفار از پروردگارشان پوشیده شده‌اند. منظور پوشش مکانی نیست که خداوند در مکانی است وپرده‌ای بین او و کفار خواهد بود، زیرا خداوند مکان ندارد بلکه منظور این است که آنها از ثواب پروردگارشان محرومند. ۲ – بیان مستلزمات عقلی: منظور از این قسم این است که ائمه به نکته‌ای از آیه اشاره کرده‌اند که لازمه حکم، و عقلی است. عن جعفر بن محمد(ع) قال: و لایأخذ اللّه عزوجل، البریء بالسقیم و لایعذب اللّه عزوجل الاطفال بذنوب الآباء، ما فأنه قال فی‌محکم کتابه و لاتزروا وازره و زر اخری. [۶۱] . امام صادق(ع) برای روشن کردن آیه (۱۶۴ / انعام) که می‌فرماید: کسی بار گناه کس دیگر را به دوش نمی‌کشد، فرمود: خداوندعزوجل انسان سالم را به جای مریض مجازات نمی‌کند، همچنین اطفال را با کشتن پدر انسان عذاب نمی‌کند. (ظلم و ستم‌قبیح است).

تفسیر علمی

در اینگونه تفسیرها اشاراتی به مباحث علمی دارد. امیر المؤمنین در تفسیر فلا اقسم برب المشارق و المغارب، [۶۲] می‌فرماید: لها ثلاث مائهٔ و ستون مشرقاً و ثلاث مائه وستون مغرباً فیومها الذی تشرق فیه، لاتعود فیه الّا من قابلٍ و یومها الذی تعرب فیه، لاتعود فیه الا-فیه الا من قابل. [۶۳] . در این حدیث که مشارق و مغارب به صورت جمع آمده چنین توجیه می‌شود: برای مشرق ۳۶۰ و برای مغرب ۳۶۰ است که‌اشاره شده به کرویت زمین.

تفسیر به تاریخ

استفاده از تاریخ نیز فراگیر بوده و از گذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین قرآن بهره می‌گرفتند. به طور مثال قرآن، فرعون‌را ذی الاوتاد نامیده است و فرعون ذی الاوتاد [۶۴] اما اینکه علت نامگذاری چیست؟ امام صادق در پاسخ ابان بن تغلب به این پرسش چنین گفتند: لانّه کان اذا عذّب رجلاً بسطه علی الارض علی وجهه و مدّ یدیه و جلیه فأوتادها باربعهٔ اوتاد فی‌الارض و ربما بسطه علی خشبٍ فسبط فوتد رجلیه و یدیه باربعهٔ اوتاد، ثم ترکه علی حاله حتی یهوت فسمّاه اللّه عزوجلفرعون ذی الاوتاد. [۶۵] . امام فرموده‌اند: چون آنها بدن‌های بزرگان، یا مخالفان خود را چهار میخ می‌کردند؛ بر چوبی می‌خواباندند و دو دست و دو پای‌آنها را میخ کرده و او را بدین حال رها می‌کردند تا بمیرند.

تفسیر قرآن به لغت

عن علی(ع) فی قوله تعالی: الذین یظنون انّهم ملاقوا ربهم، [۶۶] یقول: یوقنون انهم مبعوثون و الظّنّ منهم یقین. [۶۷] امام‌تفسیر کردند چرا که ظن در لغت هم به معنی شک و هم به معنی علم آمده، [۶۸] فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر فی قوله و ظن داود

ای و علم داود. [۶۹] .

تفسیر به تشبیه و تمثیل

استفاده از یک الگوی خارجی برای درک بهتر مفهوم آیه. یهودی به امام علی(ع) می‌رسد و می گوید: این وجه ربک؟ (اشاره به و یبقی وجه ربک ذو الجلال و تقال علی بن ابی طالب: یا بن عباس: ایتینی بناءٍ و حطب فاضرمها ثم قال: یا یهودی! أین یکون وجه هذه النار؟ فقال: لااقف لها علی وجه، قال(ع) ربّی‌عزوجل علی هذه المثل و للّه المشرق و المغرب فانّما تولو فثمّ وجه اللّه. حضرت نشان دادند بعضی از محسوسات وجه دارند ولی نمی‌توان آن را مشخص کرد. بعد فرمود: مشرق و مغرب همه از آن‌خداست و به هر طرف رد کنید خدا آنجاست.

پاورقی

[۱] احزاب: ۳.

[۲] مقدمهٔ فی التفسیر و المفسرون، ج ۴ / ۱.

[۳] مصباح المنیر، ده فسر / ۴۷۲.

[۴] زبیدی، محمد رضا، تاج العروس، ماده فسر، ج ۳۴۹:۷.

[۵] التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱۴:۱.

[۶] المیزان، ج ۱، المقدمه / ۴.

[۷] البرهان فی علوم القرآن، ج ۱۳:۱.

[۸] فرقان: ۶.

[۹] روح الجنان، ج ۹:۱.]

[۱۰] بحار الانوار، ج ۱۹:۹۲.

[۱۱] منتخب الاثر : ۴۸.

[۱۲] صحیح بخاری، ۲۶۴:۶.

[۱۳] ینابیع المودهٔ، ۵۹/۲۴۵/۳.

[۱۴] صحیح بخاری، ج ۸۱:۹.

[۱۵] فرائد السمطین، ۲۵۷:۲.

[۱۶] امالی شیخ صدوق / ۲۸۳.

[۱۷] احزاب: ۳۳.

[۱۸] واقعه: ۷۹.

[۱۹] فاطر: ۳۲.

[۲۰] لقمان: ۱۳.

[۲۱] روش‌ها و گرایش‌های تفسیر علوی مهفر، ۱۱۹.

[۲۲] المیزان، ج ۱۴۷:۱۷.

[۲۳] کنز العمال، ج ۲۱۶:۶.

[۲۴] کنزل العمال، ج ۶:۱۴۹.

[۲۵] برداشت از المیزان، ۱۲:۲۶۱.

[۲۶] احقاق الحق، ۳:۴۸۲.

[۲۷] اسراء: ۱.

[۲۸] نجم: ۱۸.

[۲۹] نحل: ۴۴.

[۳۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

[۳۱] بحار ۸۹،۱۰۴.

[۳۲] تفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۱، ص ۸۹.

[۳۳] الاتقان عربی، ج ۲، ص ۱۸۷.

[۳۴] تفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۱، ص ۸۹.

[۳۵] اسد الغابهٔ، ج ۴، ص ۲۲.

[۳۶] سعد السعود، ص ۲۸۵.

[۳۷] سفینهٔ البحار، محدث قمی، ج ۲، ص ۱۵۲.

[۳۸] التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۶۷.

[۳۹] الاتقان سیوطی، ج ۲، ص ۳۱۹.

[۴۰] امالی، ج ۲، ص ۲۰۹.

[۴۱] تأسیس الشیعه للعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۳۲۶.

[۴۲] تفسیر عیاشی، ج ۱:۱۷.

[۴۳] در دو روایت دیگر.

[۴۴] التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۱:۶۰.

[۴۵] تفسیر طبری، ج ۱:۲۷.

[۴۶] تفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۱:۶۰.

[۴۷] مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۲۹۲.

[۴۸] دخان، ۵۸.

[۴۹] شعراء، ۱۹۷ – ۱۹۵.

[۵۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

[۵۱] بحار، ج ۳۵، ص ۳۱۱.

[۵۲] مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۲۹۶.

[۵۳] المیزان، ج ۱، ص ۱۲.

[۵۴] المیزان، ج ۱، ص ۱۲.

[۵۵] بقره، ۱۲۴.

[۵۶] لقمان: ۱۳.

[۵۷] مائده: ۶.

[۵۸] کافی، ج ۳، ص ۲۹.

[۵۹] برداشت نور الثقلین، حویزی، ج ۵:۶۶۴.

[۶۰] معانی الاخبار، شیخ صدوق / ۳.

[۶۱] نور الثقلین، ج ۱:۷۸۶.

[۶۲] معارج: ۴۰.

[۶۳] معانی الاخبار، صدوق، ص ۲۲۱.

[۶۴] فجر: ۱۰.

[۶۵] نور الثقلین، ج ۵:۵۷۱.

[۶۶] بقره: ۴۶.

[۶۷] تفسیر عیاشی، ج ۱:۴۶.

[۶۸] تحقیق فی کلمات القرآن، مصطفوی، ج ۷:۱۷۹.

[۶۹] تفسیر قمی، ج ۲:۲۰۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».